

روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان

# علامه طباطبائی و حدیث؛



در اسلام، احادیث پیامبر (ص) و ائمه اهل بیت (ع) در کنار قرآن، منبع شناخت اسلام و دستورات آن تلقی می‌شود. این میراث ارزشمند، با وجود عنایت الهی و سفارش‌های نبوی (ص) و تلاش‌های امامان (ع) از همان ابتدا سرنوشتی پُر فراز و نشیب از جعل و تحریف و خطا و سوء فهم را پشت سر گذارده تا به دست ما رسیده است. در عین حال، عالمان دینی و حدیث‌پژوهان پُر تلاش در سایه رهنمودهای معصومین (ع) همواره در جهت پیراستن این مجموعه گران‌قدر کوشیده‌اند. تلاش‌های آنان در حوزه روایت فقهی در مدت چهارده قرن، تا حدودی بالیده و به پختگی و کمال رسیده است، اما در حوزه روایات غیر فقهی، کاستی‌های جدی، هم در جهت تبیین معیارهای ارزیابی روایات و هم به لحاظ تدوین گزیده‌های پیراسته که معرف آموزه‌های بلند معصومین (ع) است، وجود دارد، که البته مورد دوم تا حدی متکی به تحقق مورد اول است و برای رسیدن به موازین دقیق در ارزیابی

شادی نفیسی



شادی نفیسی، علامه طباطبائی و حدیث؛ روش - شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

احادیث، پیش از هر چیز لازم است تا دیدگاه‌های عالمان بزرگ از پیشینیان که در این مکتب تعلیم یافته، عمری را در خدمت بدان سپری کرده‌اند و آثار ارزش‌مندی در شرح آن نگاشته‌اند، از لابلای آثارشان استخراج شده و در معرض نقد و ارزیابی دیگران قرار گیرد.

کتاب حاضر، گامی در جهت تحقق این هدف است. این پژوهش، به بررسی نظرات عالم گران‌قدری اختصاص یافته است که تسلطش بر علوم مختلف عصر خود، موجب شده تا تعاملی کوتاه‌اندیشانه و یک-بعدی با روایات نداشته باشد. حدیث‌پژوهی که به روایات شیعه و اهل سنت اشراف دارد، متکلمی که در بررسی روایات، ملازمات کلامی آن‌ها را از نظر دور نمی‌دارد، عارف و فیلسوفی که از عمق فلسفی پاره‌ای روایات و رازگشایی‌های عرفانی آن‌ها غافل نمی‌ماند و اصولی‌ای که با نگاهی قاعده‌مند و سنجیده به تأمل در روایات می‌پردازد.

این کتاب، در هشت فصل به همراه یک مقدمه و یک خاتمه، در کنار نمایه آیات و احادیث سامان یافته است. در فصل اول، تحت عنوان «معیارهای فهم و نقد حدیث در منابع اسلامی»، در دو بخش به روایاتی از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اشاره شده که در آن‌ها رهنمودهایی برای شناخت حدیث و حفظ و نگهداری آن آمده است، سپس آن-چه را که عالمان در این موضوع ارائه داده‌اند، گزارش شده تا شناختی کلی از آن‌چه که در این بحث وجود دارد، به دست آید.

فصل دوم، در سه بخش، به معرفی علامه طباطبائی، تفسیر المیزان و بخش‌هایی از آن اختصاص یافته است. از ویژگی‌های بخش روایی المیزان این است که علامه افزون بر این-که به بیان نقل‌های مختلف یک روایت اهتمام

داشته باشد، با مقارنه منابع شیعه و سنی، عملاً نشان داده است که فریقین در نقل بسیاری از روایات اتفاق دارند.

در پنج فصل بعدی، در هر فصل، رویکرد علامه به یک دسته از احادیث بررسی شده است.

گفتنی است، معمولاً حدیث‌پژوهان در بحث معیارهای نقد یا فهم روایات، مجموعه‌ای از موازین را برای کل احادیث مطرح می‌کنند، حال آن‌که بررسی المیزان، نشان می‌دهد که علامه به‌رغم آن‌که موضوعات مختلف روایی را به صورت پراکنده و به تناسب آیات در جای‌جای تفسیر خود آورده، اما در برخورد با هر دسته از روایات، به اقتضای موضوع روایات، روش خاصی را در نقد و تحلیل آن دنبال کرده است. طبقه‌بندی تحلیل‌های حدیثی در این قالب، از ویژگی‌های تحقیق حاضر است که زمینه را برای بحث‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر حدیث‌پژوهی فراهم می‌آورد. در این تحقیق، روایات در پنج دسته‌بندی، در پنج فصل ارائه شده‌اند که به‌ترتیب عبارتند از: روایات سبب نزول، روایاتی که آیات را در حق ائمه (ع) تفسیر کرده‌اند، روایات اعتقادی و روایات داستانی، که در ابتدای هر فصل به اجمال دیدگاه عالمان درباره موضوع مورد بحث ارائه شده است، سپس به دیدگاه علامه در آن موضوع پرداخته شده

است تا بدین‌سان جایگاه ایشان در مقایسه با دیگران و نوآوری‌هایشان در هر موضوع، معین شود. در انتهای هر فصل، معیارهایی را که علامه در نقد نوع روایات این فصل به آن استناد کرده‌اند، بیان شده است و از آن‌جا که علامه در هر موضوع، دارای رویکرد خاصی است، در هر مورد از بین معیارهای مشترک و عمومی، برخی اولویت و اهمیت ویژه-ای دارند، لذا در هر موضوع، معیارهای نقد احادیث به دو بخش معیار-های خاص و معیارهای مشترک دسته‌بندی شده‌اند؛ معیارهای خاص در انتهای هر فصل ارائه شده و معیارهای مشترک در فصل پایانی کتاب، با همین عنوان معرفی شده است.

گفتنی است، علامه در بررسی روایات تفسیری «تعارض با قرآن» و «عدم انطباق روایات با قرآن» را، معیار ویژه نقد این دسته روایات قرار داده‌اند. هم‌چنان‌که در بحث از اسباب نزول، «عدم انطباق با قرآن» و «تعارض با زمان نزول آیه» را دو معیار خاص این بحث دانسته-اند و نیز در بحث از روایات داستانی، بر «تعارض روایات با عصمت و شخصیت نبی» و «عدم انطباق با قرآن» تأکید کرده‌اند. علامه در بحث از روایاتی که آیات را در حق ائمه (ع) تفسیر می‌کنند، عموم این روایات را از قبیل بر تطبیق مصداق دانسته و کم‌تر به نقد سندی و متنی آن‌ها می‌پردازد. هم‌چنان‌که در بحث از روایات اعتقادی، اهمیت دیدگاه ایشان در تحلیل و جمع بین روایات دشوار است که در این بخش آراء ایشان درباره هشت موضوع خاص: اسم اعظم خداوند، رؤیت، تکلم، عرش، عالم ذر، طینت، معراج و موضوع ملائکه، شیطان و تمثال آن‌ها، به‌طور خاص پرداخته شده است.

در فصل پایانی کتاب، مجموع معیارهای مورد استناد علامه در نقد روایات، تحت عنوان «معیار-های مشترک نقد روایات» در هشت محور مطرح شده است. «تعارض با قرآن» در قالب سه بحث: مخالفت با قرآن، عدم موافقت با قرآن، «تعارض با عصمت و شخصیت نبی»، «تعارض با سنت»، با بحث از ویژگی‌های سنت مورد استناد، «تعارض با عقل»، با دقت در گستره کاربرد آن، «تعارض با تاریخ»، «تعارض با علم»، «تعارض با واقعیت»، شش معیاری است که علامه در نقد روایات به آن‌ها تمسک جسته است. دو بحث پایانی این فصل نیز به بحث از مسئله «تشویش و اختلاف متن» و «جایگاه سند در نقد روایات» اختصاص یافته است. کتاب حاضر با خاتمه‌ای که تخلیص مطالب کتاب است، پایان می‌یابد.

گفتنی است، این کتاب که برگرفته از پایان‌نامه دکتری مؤلف است، جوایز متعددی را به‌دست آورده است: رتبه اول پژوهش‌های دینی در حوزه قرآن از دبیرخانه دین‌پژوهان در سال ۱۳۸۱؛ رتبه اول پایان‌نامه-های قرآنی در مقطع دکتری از نمایشگاه قرآن در سال ۱۳۸۲؛ عنوان پژوهش فرهنگی نمونه در حوزه دین از وزارت ارشاد در سال ۱۳۸۲ و حائز رتبه در جشنواره زن و پژوهش در سال ۱۳۸۳. ■

